



# ناگام

به بهانه نمایشگاه نقاشی کامران دیبا در گالری او

۱۸ آبان تا ۸ آذر ۱۳۸۶

۱۳ خیابان ونک

● سهراب محبی

که انگار از پشت کامیونی در جاده چالوس بریده  
شده اعتراف به عشق تلخ  
گالری او ۹ اثر جدید از کامران دیبا را به نمایش

پرتره دختری نگران، چهره‌ای که لیش جدا شده  
است، دو نفر با هفت‌تیر، اظهارات مبسوطی بر  
بی‌گناهی رنگ‌هایی زنده و درخشان، پرتره دختری

مرد ناکام، مردی که لبخانش را گم  
کرده، محکوم به نمایش فیلم چهارشنبه، انگیزه  
جرم

گذشت. نقاشی‌ها منتخبی بود از چهار مجموعه گل و بلبل - سرزمین ایران، دختر ناکام و dyadic (دیوگانه واحد).

در نگاره‌های گل و بلبل - که دو نمونه از آن‌ها در این مجموعه نمایش داده شد - تکه کافذی از یک نوشته، درباره یک حادثه، روی میز، کنار یک گلدان پر از گل قرار دارد. رنگ‌ها درخشان و زنده‌اند. تکرار مجموعه عناصر تصویر - گلدان پر از گل، رنگ‌های زنده - سعی دارند فضایی مرتبط با کانون خانواده و اگر مای خانه را ایجاد کنند. در این میان، تکه کافذی، مانند تلنگری از محیط خارج، لحظه‌ای این آرامش را مختل می‌کند. زندگی در پس و پیش این لحظه امتداد می‌یابد. تکرار نقاشی یک اسنپ شات است از این لحظه، که برای مدتی هرچند کوتاه این آرامش را مختل کرده است.

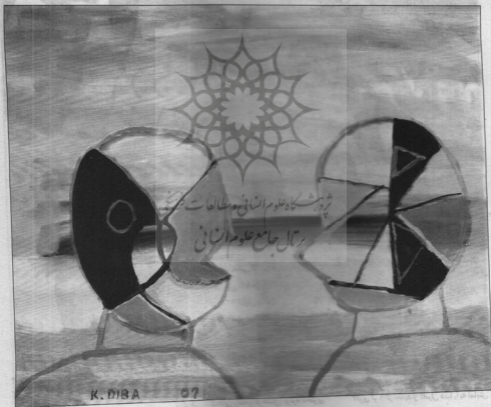
می‌گویید میزا می‌پرد چه شکلی است؟ گلدان چه گونه روی آن می‌ایستد؟ اگر تکه کافذی روی آن

باشد چه گونه باید آن را نقاشی کرد؟ میباید بکارگیری نوعی کج شکسته نقاشی را خود سوال فرار می‌دهد و آن را به چلنی می‌چند از یکسو نگاهی به پاپ متأخر و نقاشی دهه هشتاد آمریکا دارد و از سوی دیگر به تو - اکسپرسیونیستی‌های آلمان - استفاده از رنگ‌های درخشان و زنده تقسیمات خطی صفحه و تصویرپردازی‌های صریح و الهام مستقیم و بربرده از ویژگی‌های این اثر است. در تابلوهای این نمایشگاه، انگار دنیا قصد دارد نقاشی نکردن را نقاشی کند. نوعی تخریب نقاشی و بازآفرینی آن. جستجویی برای واژگان تصویری جدید. همان چیزی که همواره بسیاری از نقاشان به اصطلاح نوگرای ما از آن بهره گرفته‌اند و مقام به تکرار و باز - تکرار خود پرداختند.

دینا [ناخودآگاه] انگار با مجموعه سیزده هنرهای معاصر نیز دیالوگ برقرار می‌کند. مجموعه‌ای که آثار هنرمندان دهه هشتاد به بعد، در آن جایی ندارد. او

یعنی تصویری را ارائه کرده است که در این مجموعه تکرار می‌شود و در آثار هنرمندان ایرانی معاصر نیز قابل ردیابی نیست. اساتید دانشگاه‌های هنر ما، آثار هنرمندان پاپ به بعد را قبول ندارند و حتی گاهی به صراحت، آن‌ها را نقاشی نمی‌دانند. از این رو انگار دنیا نقاشان معاصر خود را نیز دعوت به گفتگو می‌کند.

در مجموعه «دختر ناکام» که چهار تابلو از آن به نمایش گذاشته شد، تصویر زنی را می‌بینیم که یادآور مجلات امثال تهران مصورا و بوستراهی فیلم‌های قدیمی است. این پرتره با نوشته‌هایی همراه است. نوشته‌هایی که به ادبیات کتب‌هایی مثل تهران مخوف و شب‌های تهران و داستان‌های پلورفی شبیه است. عبارتی مثل «دختر ناکام، ارجحانی است به این نوع ادبیات و فضاهای نوستالژیک آن، در حالی که تابلوها اصلاً حال و هوای نوستالژیک ندارند؛ فقط تماشاگر را ارجاع می‌دهند.





می‌شود. از ویژگی‌های این نمایشگاه بی‌شک وجود یک بیان تجسمی منسجم است که هنرمند در سال‌ها نقلاتی به آن دست یافته است: ترکیب‌بندی‌های طنزگونه و سرخوش، بکارگیری هوشمندانه رنگ و [جایانی جذاب به تاریخ هنر معاصر و نیز به نوسان و واکنش تصویری عامیانه ایران، ویژگی دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، قطع آثار است. بوم‌های رنگ روغنی که هیچ‌کدام طولی بیش‌تر از شصت سانتیمتر ندارند باید به این تابلوها نزدیک شد، آن‌ها را به دقت نگاه کرد و به آن‌ها اندیشید. دیپنا نخواست است بزرگ بکند تا دیده شود. او بیننده را دعوت به تماشا می‌کند. او نخواست است گلایبی «جفاب» ارائه کند. جذابیت این تابلوها در نوع نگارش نقلش به نقاشی است.

شبهه یک کاسه در جاده بریده شده و فضای سمت راست نقاشی از تصویر کتیان ایران را پوشانده است. کتیان دیس خود می‌گوید: نقشه امپراتوری بزرگ ایران (که در عین حال اولین امپراتوری کهن نیز به حساب می‌آید) به‌عنوان بوم رنگ روغنی کردن، در مجموعه دوگانه واحد، دو تصویر است. با می‌بینیم روبروی همه که کنار در نهایت یکدیگر را تکمیل می‌کنند. آخرین تصویری که از کتیان دیپنا در تهران دیدم، یک موزه هنرهای معاصر او گنجینه‌اش است. در ایران او را همیشه ترسه عنوان یک معمار می‌شناسید. دو سینه از آثار گنشته دیپنا را می‌توان در کتلی که از نمایشگاه «جیش هنر مدرن ایران» در موزه هنرهای معاصر چاپ شده ولی پخش نشده است. یافت این تابلوها همزمان با آثار اولیه قدرتمند زنده‌روی و تتاولی آفریده شده‌اند و کمابیش روح مشترکی در کارهای همه این هنرمندان دیده

این عبارات در عین این‌که به خشونت‌های اجتماعی و صفحه حوادث روزنامه‌ها اشاره می‌کنند، لزوماً هیچ معنای خاصی ندارند (حتی گاهی خنده‌آزنده) و نمی‌خواهند پیام خاصی را منتقل کنند. این‌ها صرفاً نوشته‌اند. شاید [نوشته] در عین حال اشاره‌ای باشد به بی‌معنایی ضمنی اختیار، نقاشی‌نگاهی هم به ریتریک تصویری پوست‌های فیلم فارسی و کرافتیک عامیانه دارد. گاهی به نظر می‌آید نوشته، عنوان است و نقلاتی، پوست‌های دربار مردی فراری، یا مثلاً قربانیان عشقی خاملان‌سوز. نوشته، جزئی از عناصر تصویری است. در عین حال خواننده می‌شود. به بریده روزنامه‌ای تبدیل می‌شود. نوع بکارگیری حروف بیش‌تر متمایل به فونت است و به سوی کالیگرافی نمی‌رود. با زردی درخشان و بزرگ، می‌نویسد: تا کام، استفاده از کلماتی صریح، بدون معنایی خاص. در تنها نمونه از مجموعه «سرزمین ایران»، تصویر زنی را می‌بینیم که کنار از پشت